

## فهرست

۷	مقدمه مترجم.....
۹	دیباچه.....
۱۱	آغاز حرکت.....
۱۶	میلاذ و تربیت زینب <small>علیها السلام</small> .....
۲۲	اندوه کودکی.....
۲۶	ازدواج زینب کبری <small>علیها السلام</small> .....
۲۹	زینب <small>علیها السلام</small> با پدرش در مقرر خلافت.....
۳۴	زینب <small>علیها السلام</small> و سیاست‌های اموی.....
۳۹	زینب <small>علیها السلام</small> در دوره یزید بن معاویه (سال ۶۰ تا ۶۲ هجری).....
۴۷	به سوی کربلا.....
۵۵	در کربلا.....
۶۹	زینب و شهادت عباس <small>علیه السلام</small> .....
۷۷	هجوم به خیمه گاه.....
۸۲	خدا حافظ ای حسین!.....

درگیری و برخورد تبلیغاتی.....	۸۵
به سوی شام.....	۹۵
بازگشت به مدینه.....	۱۰۴
زینب <small>علیها السلام</small> در مدینه.....	۱۰۶
زینب <small>علیها السلام</small> و رسالت او.....	۱۱۰
آرامگاه جاویدان.....	۱۱۲

## مقدمه مترجم

خداوند منان را شاکرم که توفیق خدمت به مکتب اهل بیت علیهم السلام را به من داد تا بتوانم در حد توان خود در ظاهر خدماتی گرچه کم و ناقص در این راه انجام دهم.

چند سال پیش توفیقی نصیب اینجانب و دوستان شد که یک دوره سیره چهارده معصوم علیهم السلام را که توسط مؤسسه دارالبلاغ به زبان عربی برای مسلمانان جهان اسلام تألیف و منتشر شده بود به زبان فارسی ترجمه کنیم که بحمدالله همه آنها با نام سرچشمه‌های نور و بعد هم با نام فرازهایی از زندگی آن بزرگواران توسط چاپ و نشر بین‌الملل چاپ و منتشر شده و می‌شوند، اخیراً در مراجعه‌ای که به آن مرکز در تهران شد متوجه شدم که زندگی نامه حضرت خدیجه کبری علیها السلام همسر با وفا و بسیار مهربان و فداکار پیامبر گرامی اسلام و حضرت زینب کبری علیها السلام عقیده بنی‌هاشم و قهرمان کربلا نیز همراه زندگی نامه حضرت زهرا علیها السلام سرور زنان هر دو جهان چاپ و منتشر شده است که پیشهاد شد زندگی این دو بزرگوار را هم ترجمه کرده و چاپ گردد که از این کار هم استقبال

شد و کار ترجمه زندگی آن دو بزرگوار هم با همکاری جناب حجة الاسلام و المسلمین آقای پورمنصوری شروع شد و به نتیجه رسید امیدوارم حضرات معصومین علیهم السلام و حضرت خدیجه کبری علیها السلام و زینب کبری علیها السلام این عرض ارادت را پذیرفته باشند. اینک زندگی نامه حضرت زینب علیها السلام در این دفتر تقدیم می گردد امید است این دفتر بتواند نقش این قهرمان کربلا را در نهضت کربلا به نحوی نشان دهد و عاشقان امام حسین و اهل بیت علیهم السلام با این قیام خونین بیشتر آشنا گردند. ان شاء الله.

محمود شریفی

## دیباچه

مطالعه و تحقیق در سیره اهل بیت علیهم السلام و آشنایی با میراث فکری و سیاسی آنان از مهمترین قضایای اساسی در فکر و حرکت اسلامی است ... چه بسا درگیری های سیاسی و منازعات بر سر مادیات دنیوی برای نهان کردن نقش اهل بیت علیهم السلام پس از آن انجام گرفت که در جامعه اسلامی شماری جریانات فکری و سیاسی پدیدار و شاخص شده بود.

مکتب اهل بیت علیهم السلام و تلاش های سیاسی و مقاومت آنان در برابر ظلم، طغیان، فساد و انحراف، و نیز نقش رهبری و پیشگامی ژرف و اصیل آنان نقش تعیین کننده ای در زندگی امت و تاریخ اسلام داشته است.

حادثه دهشتناک و وحشتناک کربلا از مهم ترین رخدادها و پدیده ها در تاریخ امت و تأثیرگذارترین در مسیر حوادث و اوضاع سیاسی و فکری جهان اسلام بلکه جهان به شمار می رود.

در کربلا بود که نقش زنان پیشگام از اهل بیت علیهم السلام یعنی حضرت زینب کبری علیها السلام دختر امیر مؤمنان امام علی بن ابی طالب علیه السلام و فاطمه

زهرائمهؑ بروز و ظهور کرد. او کسی است که حوادث تلخ و مصیبت بزرگ را تحمل کرد و با تمام شرایط سخت درگیری و برخوردهای سیاسی، پیام انقلاب را پس از شهادت برادرش امام حسینؑ به دوش کشید و آن را به جهانیان ابلاغ کرد و رسانید.

به منظور آن که گوشه‌ای از تاریخ اهل بیتؑ و میراث با شکوه آنان و نیز مسئولیت تاریخی بزرگ زنان و مردان این خاندان دانسته شود و مصیبت‌هایی که آنان تحمل کردند تا مکتب اسلام حفظ و دین در مسیر اصلاحات قرار گیرد، به انتشار این کتاب اقدام کردیم، امیدواریم خداوند سبحان با خواندن این کتاب به خوانندگان سود رساند و آنان را در ایجاد آگاهی و اصلاح دیدگاهشان با گشودن کرانه‌های تازه‌ای از شناخت، نسبت به زندگی اهل بیتؑ و میراث درخشان آنان بهره‌مند گرداند.

به راستی اهل بیتؑ پیشوایان و سرمشق امت پس از رسول الله ﷺ هستند که خداوند محبت و ولایت ایشان را واجب کرده است. از رسول الله ﷺ روایت است که فرمود: آگاه باشید! هر کسی بر محبت آل محمد ﷺ بمیرد، شهید مرده است.<sup>۱</sup> در پایان از خداوند سبحان مسألت داریم که این تلاش اندک و خرد را از ما بپذیرد؛ به راستی که او شنوا و اجابت‌کننده دعاست.

مؤسسه دارالبلاغ

## آغاز حرکت

از آغاز نبوت و هنگامی که رسول الله ﷺ دعوت و پیام خویش را آشکار کرد، درگیری بین آن حضرت ﷺ با همراهی مستضعفان و پیشگامان هدایت زیر نظر وحی و در فضای نور و آزادی با مستکبران آغاز شد، که عادت به بردگی هم‌نوعان، شکنجه و طغیان در فضای ظلم، تاریکی، استبداد و تقویت و تحکیم سلطه و بندگی در فضای وحشت و کابوس شرک و بت‌پرستی را داشتند. رهبران این جبهه که در مقابل پیام محمد ﷺ ایستاده بودند اصحاب قدرت و ثروت چون ابوسفیان و ابوجهل و ابولهب بودند.

ابوسفیان حرکت علیه حضرت محمد ﷺ را با گروهی از طاغوتیان قریشی در جنگ بدر رهبری می‌کرد. او از همان روز جدایی حق و باطل در میدان بدر و روزی که دو گروه در برابر هم قرار گرفتند، موضع خود را روشن ساخت و در جبهه باطل قرار گرفت. ابوسفیان رهبری و پیشوایی کفر و گمراهی را به عهده گرفت تا در برابر کسانی قرار گیرد که جبهه هدایت و ایمان را تشکیل می‌دادند. رهبری جبهه هدایت را پیامبر

۱. الفصول المهمة، از سید عبدالحسین شرف‌الدین موسوی، چاپ بیروت، فصل هفتم، ص ۴۹.

هدایت‌گر محمد ﷺ به عهده داشت و پرچم آن را علی بن ابی‌طالب پدر زینب علیها السلام و حسین علیهما السلام بر دوش خود حمل می‌کرد. روزی که دو گروه - هدایت و ایمان از یک سو - و شرک و طغیان از سوی دیگر روبه‌روی هم قرار گرفتند و جنگ بزرگ بدر در روز هفدهم ماه رمضان در سال دوم پس از هجرت یعنی بعد از پانزده سال از بعثت آغاز شد، واقعیت دو جبهه آشکار و مردان آن شناخته شدند. جنگ بدر جنگی بود که در آن پیروزی قاطع و آشکاری برای دعوت‌کنندگان به اسلام به دست آمد و ضربه سختی به نیروهای شرک و طاغوت وارد شد، و پهلوانان قریش و جنگاورانش به شمشیر علی بن ابی‌طالب و حمزه سیدالشهداء کشته شدند؛ روز بدر روزی بود که در آن ابوسفیان لشکر طاغوت را رهبری کرد و پشت سرش جبهه شرک و استبداد به صف ایستادند تا با لشکر ایمان و آزادی مقابله کنند.

این درگیری خونین و مقابله فکری و فیزیکی میان دو جبهه حق و باطل و ایمان و کفر تا روز فتح مکه در سال هشتم هجری ادامه یافت و در نهایت پرچم‌های امیه شکست و ابوسفیان خوار و ذلیل در برابر محمد ﷺ و علی بن ابی‌طالب و لشکر مهاجران و انصار شکست خورد.

در روز فتح مکه در سال هفتم هجری، صدای بلال بر بام کعبه به عنوان الگو و نمونه‌ای از مستضعفان برده، بلند شد که همواره ابوسفیان و امثالش او را عذاب و شکنجه می‌کردند. مستضعفانی که از همان آغازین روزهای دعوت پیامبر ﷺ و آشکار شدن رسالت، تنها برای دعوت به خدا اذیت و آزار شدند؛ چراکه به حکم طاغوتیانی چون ابوسفیان دعوت به خدا جرم بود و هر کسی در مکه به خدا ایمان می‌آورد و پیرو محمد ﷺ می‌شد، شکنجه و کشته می‌شد.

اینک بلال این برده مستضعف بر بام کعبه ایستاده و ندای توحید

سر می‌دهد. او کسی است که دعوت پیامبر ﷺ را به جان و دل لبیک گفت و بسیار شکنجه شد تا آن که اسلام همان‌گونه که جاننش را آزاد کرده بود تن او را آزاد کرد. این‌گونه بود که او بر اساس ارزش‌های این دین از حقوقش به عنوان یک انسان بهره‌مند شد، و اسلام این مکتب آزادی‌بخش الهی، او را بر ابوسفیان و امثالش از طاغوتیان قریش برتری داد؛ چراکه اینک بلال این برده سیاه حبشی اصول ارزشی مکتب هدایت و نور را حمل می‌کرد و خداوند معیار ارزش‌گذاری را ایمان و اسلام و تقوا قرار داده است و این همان چیزی است که بلال از آنها بهره‌مند و ابوسفیان بی‌بهره از آنها بود.

البته ابوسفیان آن روز در فتح مکه عقب‌نشینی کرد و کینه‌های پدری را نهان کرد و به ظاهر اسلام آورد. ابوسفیان هنگامی که دید لشکر مسلمانان مکه را محاصره کرده و فریادهای توحید و پرچم‌های پیروزی همه جای شهر را دربر گرفته به اسلام تن در داد. این در حالی بود که محمد ﷺ حمد پروردگارش را می‌گفت و مجاهدان فاتح مکه را رهبری می‌کرد. پیامبر ﷺ با یاران خویش وارد مرکز جبهه کفر و طاغوت شد و خانه خدا را از آلودگی‌های کفر و شرک پاک کرد. آن حضرت ﷺ در همان زمان اقتدار و پیروزی بزرگ پس از فتح مکه نیز با روش متواضعانه با دشمنانش برخورد کرد تا آنان از بردگی شیطان به بندگی خدا درآیند؛ اما حزب اموی چون شرایط را نامناسب و علیه خود دید به طور موقت از برخورد دست برداشت و از مواضع خویش عقب‌نشینی کرد تا زمان مناسب برسد.

حزب اموی پس از رحلت پیامبر ﷺ دوباره به میدان مواجهه و درگیری با اسلام حقیقی آمد و با مظهر و نماد آن روز اسلام جنگید. آنان

روزی علیه پیامبر ﷺ شمشیر زدند و تا آخرین لحظه تسلیم نشدند مگر زمانی که دانستند دیگر کاری از دست ایشان بر نمی آید و اینک که دوباره جان گرفته بودند علیه علی علیه السلام و فرزندانش و خاندان گرامی رسول الله صلی الله علیه و آله شمشیر کشیدند و به میدان مقابله و برخورد دیگری بازگشتند. این گونه بود که برخورد و مواجهه میان علی علیه السلام، امام حسن علیه السلام و معاویه در زمانی و سپس امام حسین علیه السلام و یزید در زمانی دیگر رقم خورد. حزب اموی زمانی دوباره جان گرفت که اختلاف و دو دستگی در صف امت اسلامی پدید آمده بود.

همزمان با رحلت پیامبر ﷺ این درگیری های سخت و خونین میان حزب علوی و حزب اموی آغاز شد و هم چنان ادامه یافت تا آن که علی علیه السلام به دست خوارج در ماه مبارک رمضان شهید شد. آن گاه درگیری و برخورد میان معاویه و حسن بن علی علیه السلام سبب و نوه پیامبر صلی الله علیه و آله پس از شهادت پدرش ادامه و استمرار یافت و دو لشکر برای جنگ صف کشیدند. لشکر حسن بن علی علیه السلام و لشکر معاویه بن ابی سفیان در برابر هم ایستادند و معاویه از این جنگ با نیرنگ، رشوه و تخریبی که در میان لشکر امام حسن علیه السلام ایجاد کرد نجات یافت و موجب فروپاشی لشکر آن حضرت و پراکندگی آن شد. این گونه بود که حزب اموی پیروز شد و امام حسن علیه السلام ناچار شد تا صلح کند و این جنگ و درگیری میان حزب الله و حزب شیطان به نفع معاویه، رهبر کفر و طاغوت پایان یافت و قاسطین بر اریکه قدرت و سلطنت تکیه زدند اما معاویه با صلح نامه ای که نوشت هرگز دشمنی اهل بیت علیهم السلام و خاندان پیامبر صلی الله علیه و آله را ترک نکرد. او با زهر، امام حسن علیه السلام را در سال ۴۹ هجری مسموم و شهید کرد.

درگیری و مواجهه میان حزب اموی و خاندان پیامبر صلی الله علیه و آله ادامه یافت تا این که معاویه در سال ۶۰ هجری مرد و رهبری طاغوت به پسرش یزید رسید. این گونه بود که او جنگ با آل محمد صلی الله علیه و آله را در نبرد خونین کربلا ادامه داد و در سال ۶۱ هجری در کربلا فاجعه ای را رقم زد و سپس تنها یادگاران اهل بدر پیروز از مهاجران و انصار را در جنگ وحشتناک «حرّه» در سال ۶۲ کشت و جنایتی هولناک مرتکب شد. او پس از این جنایات، جز اندک مدتی زنده نماند و با مرگ خود رهبری را به دیگرانی از حزب اموی واگذار کرد.

هیچ یک از افراد خاندان محمد ﷺ بلکه هیچ انسانی در حوادث و رخداد‌های تاریخی چنان با فاجعه‌ای روبه‌رو نشد که زینب ؑ با آن روبه‌رو شد. زینب ؑ چون کوهی استوار بود که تندبادهای حوادث او را به لرزه درنیامورد. او دارای اراده‌ای است که هیچ بلایی به چکاد عزت آن نمی‌رسد و نمی‌تواند آن را بشکنند. او پناهگاهی است که لشکرها و محنت‌ها آن را دربر نمی‌گیرد و هرگز بر آن مسلط نمی‌شود.

زینب ؑ با ایستادگی و مقاومت بر موضع‌گیری‌هایش، زینب ؑ با اراده‌هایش و زینب ؑ با صبرهایش و هم‌چنین زینب ؑ با رهبری‌هایش در درگیری و دعوت نسبت به اهداف انقلابیون در کربلاست که برگ زرین در تاریخ انسان است.

زینب ؑ کتابی است که همه فصل‌های درخشان انسان و انسانیت را دربر دارد. این کتاب عبرت و پندی برای تاریخ است تا پس از ایشان خوانده شود. از کتاب تاریخ آن حضرت می‌توانی صفحات درگیری‌ها و برخوردها میان محمد ﷺ و خدیجه ؑ و فاطمه ؑ و علی ؑ و حسن ؑ و حسین ؑ و دشمنانشان را بخوانی و عظمت محنت و رنجی که در راه دین برده‌اند دریابی.

خدا چنین خواست تا زینب ؑ این همه مصیبت‌ها و رنج‌ها و فشارها را به ارث برد و پرچم اسلام را پس از واقعه طف با پهلوانی و قدرت بلند کرده و حمل نماید. پرچم بدری که علی ؑ روز فرقان، روز برخورد دو گروه حق و باطل یعنی گروه حضرت محمد ﷺ و ابوسفیان بر دوش داشت.

این همان زینب، دختر علی بن ابی‌طالب ؑ است که مادرش فاطمه زهرا دختر رسول الله ﷺ و مادر بزرگ پدری‌اش فاطمه بنت اسد، همان

## میاد و تربیت زینب ؑ

قلم از نگارش شکوه و عظمت حضرت زینب کبری ؑ ناتوان است و سزاوار است که قلم زمانی که می‌خواهد از ایشان بنویسد از بزرگی و اعجاب در برابر عظمت حضرت زینب ؑ خم شود.

زینب ؑ واژه‌ای جاودان در کام تاریخ و پژواکی بلند در میان نسل‌ها و از پیشگامان مقاومت و ایستادگی در جهان انقلاب‌ها و هم‌آوردی بی‌مانند در برابر ستم و طغیان و آموزگار برجسته و نوری درخشان در جهان زنان بزرگ و مجاهدان است.

از سوی دیگر، زینب ؑ زنگ سیاه غصه‌ها و اندوه‌ها، پهلوان مقاومت و اراده‌هاست. زینب ؑ روحی است که همه ارزش‌های بزرگ زنان و اسوه‌های الهی، حضرت خدیجه کبری ؑ و فاطمه زهرا ؑ و نیز شجاعت و رهبری علی مرتضی ؑ، صبر و شکیبایی پیامبر خدا محمد مصطفی ﷺ، عزت و بزرگواری امام حسن مجتبی ؑ و انقلابی‌گری و قیام امام حسین سیدالشهداء ؑ را در خود جمع کرد.

مرئی و پرورش دهنده پیامبر ﷺ است که رسول الله ﷺ درباره اش فرمود: فاطمه بنت اسد مادرم بود.

این زینب همان زنی است که مادر بزرگ مادری اش ام المؤمنین خدیجه کبری دختر خویلد ﷺ و برادرانش نوادگان پیامبر ﷺ شهیدان در راه خدا و سرور جوانان اهل بهشت یعنی امام حسن مجتبی ﷺ و امام حسین سیدالشهداء ﷺ هستند.

این همان زینبی است که عمویش جعفر طیار رهبر مهاجران حبشه صاحب دو بال در بهشت، حامل پرچم رزمندگان اسلام و شهید در معرکه و جنگ موته است. این همان زینبی است که همسرش، پسرعمویش عبدالله بن جعفر طیار است.

زینب ﷺ در خانه علی ﷺ و فاطمه ﷺ و در دامن نبوت روشن بخش، به دنیا آمد. زادروز و لادتش، پنجم ماه جمادی الاولی سال پنجم هجری بود. پیامبر ﷺ به میلادش بشارت داده شد و خود آن حضرت ﷺ ایشان را زینب نامید. زینب در زبان عربی چنان که این اعرابی می نویسد، به معنای درخت نیکو منظر، پاک و خوشبو است. به همین نام نیز زن نامیده می شود. تک درخت زینب را زینبه می گویند.

یکی از حقایق معروف و مشهور این است که رسول الله ﷺ از سوی خداوند بر نهانها و اخبار آینده امت اطلاع یافته و بر غیب آگاه بوده است. از این رو، ایشان نسبت به آنچه در آینده بر سر امت می آید آگاه بود و نسبت به رنج و محنتی که بر اهل بیت ﷺ و این که مورد ظلم و قتل و تبعید قرار می گیرند آگاهی داشت.

این حقیقت در سیره و تاریخ اسلام و احادیث فراوان آمده که آن

حضرت ﷺ به شهادت امام حسین ﷺ در سرزمین کربلا علم داشت. این مطلبی است که بارها بیان شده و حتی امام حسین ﷺ در پاسخ نامه عمره دختر عبدالرحمن به آن اشاره می کند. عمره دختر عبدالرحمن به امام حسین ﷺ در هنگام خروج به سوی عراق نامه ای نوشت، و از امام خواست تا برای جلوگیری از شهادت و قتلش به دست دشمنان، اقدام به خروج نکند و به سوی عراق نرود. امام در آن پاسخ نامه اش این چنین نوشت: خودم از عایشه شنیدم که می گفت: از پیامبر ﷺ شنیدم که می فرمود: حسین در سرزمین بابل شهید می شود.

روز تولد حضرت زینب ﷺ بود که شادی میلاد، با سرشک اندوه و تبسم لبخند با گره های غم و سرور با درد آمیخته بود. همه این عواطف و احساسات متضاد در قلب های حضرت محمد ﷺ و علی ﷺ و فاطمه ﷺ کنش و واکنش و بروز داشت؛ چراکه آنان از راه دانش و علم غیب پیامبر ﷺ بدان امور آگاه بودند.

آنان می دانستند که این نوزاد منتظر روز هولناکی است؛ چراکه به زودی میراث سنگین مصیبت و درد درگیری بی پایان حق و باطل بر دوشش انداخته می شود.

زمانی که حضرت زینب ﷺ به دنیا آمد، مادرش فاطمه زهرا ﷺ او را نزد پدرش حضرت امیر مؤمنان علی ﷺ برد تا از ایشان بخواهد نام مبارکی برایش انتخاب کند، اما علی ﷺ مثل همیشه که در نامگذاری فرزندانش حسن ﷺ و حسین ﷺ از پیامبر ﷺ پیشی نگرفته بود، در برابر این درخواست همسرش برای نامگذاری نخستین فرزند دختری، پس از امام حسن و امام حسین ﷺ نیز پیشی نگرفت و در پاسخ درخواست همسرش چنین فرمود: من از رسول الله ﷺ در نامگذاری اش پیشی



نمی‌گیرم. پس در این باره از پیامبر ﷺ بخواهیم تا نامگذاری او را به عهده گیرد و نامی بر او نهد.

نویسندگان سیره می‌نویسند که رسول‌الله ﷺ در آن روز در بیرون شهر مدینه بودند. هنگامی که پیامبر ﷺ از سفرش به مدینه بازگشت، علی علیه السلام این بشارت الهی را با خود آورد و از آن حضرت ﷺ درخواست کرد تا نامی را برای این نوزاد مبارک انتخاب کند. آن حضرت ﷺ در پاسخ درخواست ایشان فرمود: من در نامگذاری‌اش از پروردگارم پیشی نمی‌گیرم.

در این فضای گفت‌وگو و شادی که خانه علی علیه السلام و فاطمه علیها السلام را پر کرده بود، جبرئیل علیه السلام از نزد خداوند فرود آمد و از سوی پروردگار عزیز سلام خدا را به پیامبر ﷺ رساند و فرمود: او را زینب بنام! چرا که خداوند این نام را برایش برگزیده است.

راویان می‌افزایند که خداوند سبحان به پیامبرش خبر داد که در آینده این کودک چه مصیبت‌ها و محنت‌ها را بر دوش و جانش می‌کشد. پیامبر ﷺ این خبر اندوه‌زا را از خداوند دریافت کرد. پس هنگامی که تصاویر این رنج و دردی که به اهل بیتش می‌رسد، پیش رویش می‌بیند و این که این نوزاد به تنهایی در میدان کربلا در برابر طاغوت‌های قاتل می‌ماند و مصیبت می‌بیند، گریست.

این نوزاد تحت توجهات جدّش حضرت پیامبر خدا ﷺ، پدرش علی علیه السلام و مادرش فاطمه علیها السلام رشد کرد. پدر زینب علیها السلام همان علی علیه السلام است که در دامن پیامبر ﷺ بزرگ شده و رشد یافته بود، او نخستین مردی است که اسلام آورد و در حالی که ده ساله بود پیامبر ﷺ را به رسالت تصدیق کرد. پدرش علی علیه السلام مرد عقیده و ارزش‌ها و اصول اسلام و ایمان است.

مادر زینب علیها السلام فاطمه دختر پیامبر خدا ﷺ و سرور زنان جهان است... فاطمه علیها السلام کسی است که در خانه پدرش پیامبر هدایت و مادر پاک و طاهرش خدیجه کبری علیها السلام زیست و تربیت شد. در کنار این فضای معنوی و محیط ایمان پاک و خالص، زینب علیها السلام نفس می‌کشید و در فضا و محیط نبوّت در دامن توجهات جدّش محمد مصطفی صلی الله علیه و آله و سلم رشد می‌کرد. پس در چنین فضایی که همه توجهات را به خود جلب می‌کرد، او پنج سال زیست.

در این محیط فوق‌العاده و یگانه در جهان انسانیت، زینب علیها السلام کودکی‌اش را زیست و شخصیتش شکل گرفت. او از همه عوامل شکل‌گیری شخصیت: یعنی محیط زیست، وراثت و تربیت بهره برد. پس حضرت زینب علیها السلام سزاوار آن چیزهایی است که تاریخ درباره صفاتش به نیکویی نوشته است... او سزاوار آن است که به عنوان پیشوا و رهبر زنان در جهان علم، ادب، سیاست، اخلاق و دین، شناخته و معرفی شود.

مهر و محبت و دلسوزی به ایشان می‌نگریستند و توجه ویژه‌ای به او مبذول می‌داشتند....

با آن که کودکی اش را در پاکی و توجهات ویژه می‌گذشت؛ اما سرنوشت برای این کودک، آینده‌ای پر از اندوه و فاجعه هولناک در خاندان محمد ﷺ رقم زده بود.

زینب علیها السلام بیماری جدش پیامبر خدا ﷺ را می‌دید. او درد و رنجی را مشاهده می‌کرد که مادرش می‌کشید. او می‌دید که اشک از دیدگان مادرش فرو می‌ریخت و بر چهره نورانی اش نشانه‌های اندوه و غم نقش می‌بست... بیماری جدش بیش از سه روز به درازا نکشید. پیامبر ﷺ پس از سه روز بیماری درگذشت و به ملکوت اعلی پیوست و فاجعه بزرگ بر سر خانه علی علیه السلام فاطمه علیها السلام فرود آمد و چادر غم و اندوه و انتظارات پس از نبوت بر فضای خانه افکنده شد.

زینب علیها السلام رخدادهای وفات پیامبر ﷺ و ناله‌ها، رنج‌ها و اندوه مادرش را می‌دید. او می‌دید که مادرش برای از دست دادن پدر خویش ندبه و زاری می‌کرد و آه حسرت از نهادش برمی‌کشید و از جدایی و فراق پدر گلایه و شکوه‌ها داشت. او هم‌چنین رنج مادر و پدرش را در مواجهه با رخدادهای سقیفه و نادیده گرفتن و تزییع حقوق ایشان را مشاهده می‌کرد. او می‌دید که چگونه آن دو، مورد ستم، تهدید و تجاوز به حقوق و جایگاه مقدس خودشان قرار می‌گیرند....

او می‌شنید که مادرش با گلایه، دست یاری و استغاثه به سوی آسمان و پدرش بلند کرده و از رنج و درد سختی، می‌نالید که به دست

## اندوه کودکی

زینب کبری علیها السلام در کنار برادرانش حسن و حسین علیهم السلام و ام‌کلثوم زینب صغری علیها السلام زیست. در خانه‌ای رشد کرد که برای آن همانندی بر روی زمین نیست. خانه‌ای که پر از طهارت و پاکی است. از این خانه، محبت و دلسوزی و مکارم و فضایل اخلاقی بر روح و جاننش سرازیر بود.... این همان خانه‌ای است که قرآن، اهلش را که علی، فاطمه، حسن و حسین علیهم السلام هستند به عنوان «اهل بیت» و یا اهل بیت پیامبر صلی الله علیه و آله نامید و آنان را از هر گونه پلیدی رهایی بخشید و به تمام و کمال پاک گردانید و خداوند درباره ایشان این آیه را فر فرستاد: ﴿إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ﴾؛<sup>۱</sup> همانا خداوند اراده کرده که پلیدی را از شما خاندان بزدايد.

زینب علیها السلام زیر سایه و توجهات جد بزرگوارش حضرت محمد ﷺ و تربیت والدین خویش علی علیه السلام و فاطمه علیها السلام زیست، در حالی که همه با

۱. سوره احزاب، آیه ۳۳.

حکام و حکومت و خلافت در این روزهای کوتاه عمرش<sup>۱</sup> می‌کشید. همه اینها را زینب علیها السلام می‌دید. او می‌دید که مادرش عزادار پدرش در بیت‌الاحزان است، در حالی که حقوق، ضایع و مقام و منزلتش گرفته شده بود....

زینب کبری علیها السلام همه این رخدادهای اندوهناک را می‌دید و آن‌چه که والدین پاک و طاهرش پس از رحلت پیامبر صلی الله علیه و آله با آن مواجه شدند، در خاطرات و درون دلش ذخیره می‌کرد.

دوره کوتاهی نگذشت که رخدادهای بزرگ و فاجعه‌های هولناک بر این خانواده بزرگوار خیمه زد... فاطمه علیها السلام پس از آن که قلبش را حوادث بزرگ و تلخی دربرگرفت که کوه را فرو می‌ریخت، در اثر درد و رنج و مصیبت درگذشت.

زینب علیها السلام مادرش را از دست داد، او با از دست دادن مادر، محبت مادر و دلسوزی‌هایش را از دست داد. زینب علیها السلام همه جای خانه را می‌جست، ولی صورت نورانی مادرش را نمی‌یافت. او در هر کنج خانه برادرانش حسن علیه السلام و حسین علیه السلام و خواهرش زینب صغری را می‌دید که اندوهناکند و با فقدان هولناک مادرشان روبه‌رویند. او دیگر ندای مادرش را نمی‌شنید. به جای کلام مادر، فریادها و ناله‌های سوزناک برادرانش را می‌شنید که برای از دست دادن مادرشان عزاداری می‌کردند و در سوگ نشسته بودند.

این مصیبت بزرگ با همه عظمتش آمد و رفت و زینب علیها السلام در خانه

۱. مورخین در فاصله و مدتی که حضرت زهرا علیها السلام پس از پدرش زنده بود اختلاف دارند، بعضی عقیده دارند که چهل و پنج روز و بعضی فکر می‌کنند هفتاد و پنج روز و بعضی هم می‌گویند که سه ماه بعد از پیامبر زندگی کرد.

پدرش با مهر، محبت، عنایت، توجهات، صمیمیت و خوش‌خویی پدری رشد می‌کرد و بزرگ می‌شد.

زمان طولانی نگذشت که او در خانه خودش «امامه»<sup>۱</sup> دخترخاله‌اش را یافت. علی علیه السلام بنا بر سفارش و وصیت فاطمه علیها السلام با امامه ازدواج کرد تا فرزندانش را تحت رعایت ایشان پروراند و امامه محبت و توجهاتش را نصیب آنان کرده و این‌گونه تا اندازه‌ای جای خالی فاطمه علیها السلام را پر نماید. در سفارش فاطمه علیها السلام به علی علیه السلام آمده بود: ای پسر عمو! تو را وصیت و سفارش می‌کنم که پس از من با خواهرزاده‌ام امامه ازدواج کنی تا با فرزندانم چون من باشد؛ چراکه مردان به همسر نیاز دارند.

این چنین شد که «امامه» فرزندان خاله‌اش فاطمه علیها السلام را تحت تربیت خویش برد و آنان را پروراند و زینب علیها السلام زیر سایه و توجهات دختر خاله‌اش زیست تا آن‌که با پسر عمویش «عبدالله بن جعفر» ازدواج کرد.

۱. امامه دختر ابوالعاص بن ربیع است که مادرش زینب دختر رسول خدا صلی الله علیه و آله و دختر خدیجه کبری علیها السلام بود و ابوالعاص بن ربیع پسر هاله دختر خویلد که خاله فاطمه زهرا علیها السلام می‌شود.

همان مهاجر فاضل و ارجمند، اسماء بنت عمیس است. او که دوست فاطمه زهرا علیها السلام مادر حضرت زینب علیها السلام و همراه همیشگی اش تا هنگام رحلت و وفات بود، یعقوبی می نویسد: اسماء در خدمت فاطمه علیها السلام بود و به کارهایش می پرداخت و ایشان را سر و سامان می داد.

عبدالله بن جعفر در حبشه زاده شده بود. این زمانی بود که پدرش جعفر و مادرش اسماء بنت عمیس به عنوان مهاجران در حبشه اقامت داشتند. مهاجران به فرمان پیامبر صلی الله علیه و آله زمانی که محنت و رنج بر مسلمانان نخستین، از سوی مشرکان در مکه شدت یافته بود، به حبشه مهاجرت کرده بودند و جعفر بن ابی طالب مسئولیت رهبری مهاجران را به عهده داشت. آنان در حبشه ماندند تا آن که در روز فتح خیبر در سال هفتم پس از هجرت به حجاز بازگشتند.

جعفر طیار مدّتی در مدینه زیست تا این که در جنگ موته در سال هشتم هجری شهید شد. وقتی خبر شهادتش رسید، رسول الله صلی الله علیه و آله عبدالله بن جعفر و برادرانش را در دامن خویش گرفت و متعهد به تربیت آنان شد. پس پیامبر صلی الله علیه و آله عبدالله و برادرانش را بسیار مورد عنایت و توجهات ویژه قرار داد.

گفتنی است که امام علی علیه السلام با اسماء بنت عمیس مادر عبدالله پس از وفات ابوبکر ازدواج کرد؛ و زمانی که زینب علیها السلام با عبدالله بن جعفر ازدواج می کند، مادر عبدالله در خانه علی علیه السلام بود.

زمانی که آمد و شد خواستگاران زینب علیها السلام زیاد شد، علی علیه السلام برادرزاده اش عبدالله بن جعفر بن ابی طالب را خواست و دخترش حضرت زینب دختر فاطمه زهرا علیها السلام را با مهر السنه یعنی به اندازه مهریه مادرش فاطمه علیها السلام که ۱۸۴ درهم بود به عقد عبدالله درآورد....

## ازدواج زینب کبری علیها السلام

روزها و ایام گذشت و زینب کبری علیها السلام در خانه نبوت و شکوه و شرف، بزرگ و جوان شد. طبیعی این بود که بزرگان نام و نشان دار و صاحبان منزلت و مقامات اجتماعی برای خواستگاری به سویش بشتابند. بسیاری آمدند و خواستگاری کردند، ولی امیر مؤمنان علی علیه السلام به خواستگاری آنان، پاسخ منفی می داد؛ زیرا می دانست که حضرت زینب علیها السلام نقش تاریخی بزرگی در خانواده اهل بیت علیهم السلام دارد. آن حضرت مقام زینب علیها السلام را می شناخت و می دانست که چه کسی اهلیت و شایستگی همسری اش را داراست. امیر مؤمنان علی علیه السلام از پیامبر صلی الله علیه و آله اشاراتی دریافت کرده بود که چه کسی را برای همسری او برگزیند؛ زیرا امام علی علیه السلام زمانی شنید که پیامبر صلی الله علیه و آله با اشاره به فرزندان علی علیه السلام و جعفر فرموده بود: **بَنَاتُنَا لِبَنَاتِنَا وَ بَنُونَ لِبَنَاتِنَا**؛ دختران ما برای پسران ما و پسران ما برای دختران ماست.

بنابراین تنها فرد شایسته همسری با زینب علیها السلام، عبدالله بن جعفر بن ابی طالب بن عبدالمطلب بن هاشم بود که پدرش جعفر طیار و مادرش

مورخان نوشته‌اند که امام علی علیه السلام مهریه را از مال شخص خودش داد. پس مهریه حضرت زینب علیها السلام از مال خالص پدرش علی علیه السلام است. این‌گونه عقد ازدواج ایشان خوانده شد و عبدالله با زینب علیها السلام ازدواج کرد. عبدالله از سادات بنی‌هاشم، بخشنده‌ای کریم بود که همانندی نداشت. او شخصی اصیل و اصیل‌زاده از شخصیت‌های سیاسی و اجتماعی مدینه بود. او با رسول‌الله صلی الله علیه و آله مصاحبت داشت و از اصحاب آن حضرت به شمار می‌رفت. عبدالله از او علم و اخلاق آموخت و از آن چشمه الهی سیراب شد. از همین روست که عبدالله از وی حدیث نقل می‌کرد. پس از شهادت پدر و رحلت پیامبر صلی الله علیه و آله و ازدواج مادر، عبدالله در کنار عمویش علی علیه السلام و فرزندانش حسن و حسین علیهما السلام می‌زیست.

عبدالله مردی شجاع بود و مورخان رشادت‌های عبدالله را در جنگ‌های جمل، صفین و نهروان نقل می‌کنند... زمانی که علی علیه السلام در زمان خلافتش در کوفه مستقر شده بود، او با عمویش علی علیه السلام و همسرش زینب علیها السلام در آن‌جا می‌زیست.

شیخ مفید می‌نویسد: جابر بن عبدالله جعفی از امام محمد باقر علیه السلام می‌پرسد: امیر مؤمنان علی علیه السلام کجا مدفون شده است؟ امام فرمود: در ناحیه غریین پیش از طلوع فجر مدفون شد در حالی که امام حسن علیه السلام و حسین علیهما السلام و محمد بن علی و عبدالله بن جعفر داخل قبر مبارک ایشان شدند... این روایت دلالت و تأکید بر این دارد که عبدالله بن جعفر در مقرر خلافت امیر مؤمنان علی علیه السلام در کوفه با همسرش زینب علیها السلام به سر می‌برد.

## زینب علیها السلام با پدرش در مقرر خلافت

پس از کشته شدن عثمان در مدینه، در روز ۲۳ ماه ذی‌حجه سال ۳۵ هجری از سوی مردم با امیر مؤمنان علی علیه السلام به عنوان خلیفه مسلمین بیعت شد. از آن پس فتنه‌ها آغاز شد و جنگ‌های احزاب و گروه‌ها و جناح‌هایی که در خلافت طمع داشتند شروع شد و زمینه نقض بیعت فراهم شد. در پیشاپیش این فتنه‌ها ناکثان و پیمان‌شکنان، طلحه، زبیر، عایشه و معاویه بن ابی‌سفیان والی و فرماندار عثمان بر شام بودند.

در این زمان، عایشه متوجه بصره شد تا مردم را علیه خلافت علی علیه السلام برانگیزاند و به شورش وادارد. با حرکت عایشه و طلحه و زبیر به بصره، فتنه‌هایی آغاز شد که کرانه‌های امت اسلام را چون شب تاریک پر کرده و دربر گرفت. وقتی تمرّد علیه خلافت و خلیفه مسلمین آغاز شد، علی علیه السلام احساس کرد این خطر، وحدت امت و مشروعیت خلافت را تهدید می‌کند. پس امیر مؤمنان علیه السلام به ناچار برای خاموش کردن آتش فتنه و ایجاد وحدت میان امت، به سوی بصره متوجّه شد.

دو گروه در برابر هم صف‌آرایی کردند. درگیری و برخورد به جنگی بزرگ تبدیل شد و جنگ سخت جمل در ماه جمادی‌الاول سال ۳۶ هجری پدید آمد. خداوند امیر مؤمنان علی علیه السلام را پیروز گردانید و آن حضرت توانست تمرّد خطرناک را سرکوب کند. او سپس متوجّه کوفه شد تا ضد معاویه این گروه قاسطین صف‌آرایی کند و پس از آن نیز ناچار شد تا علیه مارقین بجنگد. این‌گونه است که در مدّت کوتاه خلافت خویش علیه ناکثین، قاسطین و مارقین صف‌آرایی کرد و در جنگ‌های صفین و نهروان وارد شد.

علی علیه السلام کوفه را به عنوان پایتخت و مرکز خلافت اسلامی قرار داد تا به مرکز خطری که از شام، مرکز خلافت اموی معاویه، می‌آمد نزدیک‌تر شود. آن حضرت علیه السلام این‌گونه خواست تا مدینه را از رنج و محنت درگیری‌ها دور نگه دارد. پس در کوفه مستقر شد و حضرت زینب علیها السلام نیز در کنار پدرش در خانه خلافت و امامت مستقر شد. حضرت زینب علیها السلام می‌دید که پدر، برادران، شوهر و پسر عموهایش در معرکه‌ها و جنگ‌های بسیاری شرکت می‌کنند. با این خاندان عصمت و طهارت، پیشگامانی از اهل بدر و رضوان از مهاجران و انصار همراه شدند تا در مقابل تلاش‌های مرتدان، تحریف‌گران و طغیان‌گران و سلطه‌اهل اشرافیت و رفاه‌طلبی و تبدیل‌کنندگان امامت و خلافت به پادشاهی ارثی، بپا خیزند و از اصول و ارزش‌های حق و عدالت دفاع کنند و مردم را به قرآن و سنت پیامبر گرامی صلی الله علیه و آله دعوت کرده و از مستضعفان و مظلومان دفاع نمایند.

در این میان مهم‌ترین فتنه، فتنه مارقین و خوارج بود که جنگ نهروان را رقم زدند. این فتنه و توطئه خوارج بود که مسیر تاریخ اسلامی

را دگرگون کرده و درهای دشمنی با اهل بیت علیهم السلام را گشود و کینه و دشمنی مدفون شده با علی علیه السلام و اهل بیت علیهم السلام و پیروان راستین آنان را آشکار کرد. خوارج دشمنی با اهل بیت علیهم السلام و دیگر پیشگامان مسلمان نیکوکار را در طول تاریخ با خود همراه کردند و همواره آن را تداوم بخشیدند.

این‌گونه است که شمشیر دشمن خارجی در شب نوزدهم ماه رمضان سال چهلیم هجری، تاریخ اسلام و امت را دگرگون ساخت. آن شب امیر مؤمنان علیه السلام در خانه زینب علیها السلام مهمان بود و افطار می‌کرد. در سحرگاه آن شب عبدالرحمن بن ملجم به سر مبارک ایشان ضربه‌ای زد که آن حضرت علیه السلام در روز سوم پس از آن ضربت شمشیر، به شهادت رسید و از دنیا رفت و ستاره پر فروغش در شب دیجور و تاریک نهران گشت و امت اسلام علی علیه السلام این مجسمه عدالت و تقوا را از دست داد و سوگوار عدالت شد. با این ضربت شمشیر ابن ملجم، که از بازماندگان جنگ نهروان بود و شهادت مولی علی علیه السلام، امت اسلام بلکه انسانیت در طول تاریخ زیان کرد.

پس از آن، زندگی حضرت زینب علیها السلام با فاجعه شهادت پدرش به دست اشرار و ضرباتی که پس از آن بر پیکر خلافت اسلامی در اوج عزّتش وارد شد، دگرگون شد. شهادت پدر برای حضرت زینب علیها السلام آغاز مرحله جدیدی از درگیری و رنج و محنت است که با آن مواجه شد.

زینب علیها السلام پس از شهادت پدرش علی علیه السلام در کنار برادرش امام حسن علیه السلام به عنوان امام و خلیفه مشروع و قانونی همراه بود. در این زمان مردم با امام حسن علیه السلام در مسجد کوفه بیعت کردند و امام حسن علیه السلام برای درگیری جدید آماده شد؛ چراکه او می‌دانست معاویه در دلش چه نهران کرده و برای تصاحب خلافت چه برنامه‌ریزی داشته است... اما عمر این